

مهدویت و فلسفه (نظری) تاریخ

این آموزه متعالی، به گونه‌های مختلف و در قالب‌های گوناگون ارائه و تصویر شده است، اما از منظر فلسفه تاریخ، کمتر به آن پرداخته شده و پیوند...



مهدویت و فلسفه (نظری) تاریخ

"فلسفه متعالی تاریخ" بررسی و تبیین آموزه‌های وحیانی اسلام درباره روند تاریخ و کمک گرفتن از تجربه و عقل است (وحی + عقل + تجربه) نماد و کانون محوری این دانش، "دکترین مهدویت" است.

"مهدویت"، فرجام متعالی و شکوه‌مند آینده جهان و سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است. "مهدویت"، پیش‌بینی وحیانی هدف و مقصود تاریخ و پایان حرکت متلاطم و پرفراز و نشیب آن است. "مهدویت"، تحقق معناداری و غایت‌مندی تاریخ و باور به سرنوشتی روشن و محتوم است.

این آموزه متعالی، به گونه‌های مختلف و در قالب‌های گوناگون ارائه و تصویر شده است، اما از منظر فلسفه تاریخ، کمتر به آن پرداخته شده و پیوند و رابطه این دو در محاق غفلت فرو رفته است. به ادعای ما، فلسفه واقعی تاریخ و سرانجام حرکت آن، در مهدویت جلوه‌گر است، و از این‌رو، باید به روشنی آن را مورد بحث و بررسی قرار داد. بر اساس نگرش فلسفی-تاریخی به "دکترین مهدویت"، می‌توان نظر جامع و کاملی درباره حرکت تاریخ و قانون‌مندی آن ارائه داد و فرجام، غایت نهایی و بارانداز تاریخ را مشخص کرد.

هیچ یک از فلسفه‌های نظری تاریخ، نتوانسته‌اند به طور جامع و دقیق به تفسیر و تبیین "تاریخ" بپردازند و از کشف هدف و مقصد واقعی آن ناتوان مانده‌اند (و به همین جهت دچار اختلافات اساسی و پراکندگی شده‌اند) اما اندیشه متعالی مهدویت می‌تواند بیان‌گر تفسیر و تحلیل واقعی و یقینی روند تاریخ و شناخت سرمنزل و مسیر درست آن باشد. در واقع شرح فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام، جز با بررسی و تبیین درست دکترین مهدویت، امکان ندارد.

از طرفی ارائه مباحث دکترین مهدویت در چهارچوب فلسفه نظری تاریخ، این امکان را می‌دهد که به صورت نظام‌مند و فلسفی، مباحث ناگفته بیان شود و معناداری، قانون‌مندی و هدف‌مندی تاریخ به اثبات رسد.

روشن است این شکل سرنوشت باوری و فرجام‌گویی، مبتنی بر پیش‌بینی علمی و فلسفی نیست، بلکه بر پایه وحی و غیب است که علم آن نزد خدا و افراد برگزیده او (پیامبر و امامان معصوم) است.

این پیش‌بینی حتمی و قطعی، اخبار غیبی از آینده‌ای روشن و فضیلت‌گون است و بر جبری بودن حرکت تاریخ دلالت ندارد. تنها وعده و بشارت حتمی الهی بر حاکمیت صالحان و حکومت جهانی عدل و نابودی باطل است.

مشکل نظریه‌های ارائه شده در "فلسفه تاریخ"، جبری بودن و ادعای علمی بودن آنهاست؛ در حالی که در اندیشه قرآن حرکت تاریخ جبری نیست و اراده انسان‌ها تأثیر بسزایی در پویای گذشته‌های تاریخ و رسیدن به قله‌های پیشرفت و تعالی دارد؛ هرچند این سیر از مشیت و قدرت الهی خارج نیست و بر اساس قضا و قدر صورت می‌گیرد. هدف خلقت و خواست خداوند نیز، رسیدن انسان به بالاترین حد کمال و تعالی است؛ اما این خواست الهی، بر این تعلق گرفته که انسان‌ها با اختیار و آزادی این راه را طی کنند.

البته اراده و نقش انسان‌ها در حرکت تاریخ و پویای گذشته‌های مختلف آن، نمی‌تواند مانع از تحقق بشارت و وعده حتمی الهی- نه پیش‌بینی احتمالی- مبنی بر استخلاف صالحان در زمین و آکنده شدن آن از عدل و داد گردد.

برای تبیین فلسفه تاریخ و کشف قانون‌ها و ست‌های حاکم بر تاریخ و شناخت پیوند مهدویت با فلسفه تاریخ توجه به انگاره‌های زیر بایسته است:

گفتار اول: هدف و سرمنزل تاریخ (کمال و تکامل)

مهم‌ترین انگاره درباره "تاریخ آینده"، حرکت و سیر انسان و جامعه بشری - با طی فراز و نشیب‌هایی- به سوی کمال و اوج

گرفتن است. سرنوشت باوری به معنای باور به فرجامی متکامل و متعالی است. از دیدگاه اسلام حرکت و سیر تاریخ به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش‌ها و متعالی شدن انسان است و اگر غیر این می‌بود، حرکت تاریخ امری لغو و پوچ می‌نمود؛ هرچند در این حرکت، فراز و فرودها، کاستی‌ها، موانع و چالش‌هایی وجود داشته است.

هدفی که قرآن برای کاروان بشری ترسیم می‌کند "عبادت و عبودیت" است و منظور از آن، معنای وسیع و گسترده‌ای است که شامل کلیه شئون زندگی انسان در روی زمین می‌گردد این هدف در صورتی محقق می‌شود که در سرتاسر جهان خواسته‌ها و دستورهای خدا اجرا و شناخت و عبادت او محقق و عبودیت و معنویت جای‌گزین رذایل و کژی‌ها شود:

(و ما خلقت الجنّ و الانس إلا ليعبدون)؛ 42

و جنّ و انس را نیافریدیم مگر برای این‌که مرا عبادت کنند.

"ما هرگز در قرآن به این منطق برخورد نمی‌کنیم که انسان آفریده شده است که هر چه بیشتر بداند و هرچه بیشتر بتواند تا این‌که انسان وقتی دانست و توانست، خلقت به هدف خود رسیده باشد! بلکه انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خدا، خود هدف است... طبعاً به این معنا در منطق اسلام، هدف اصلی از زندگی، جز معبود چیز دیگری نمی‌تواند باشد؛ یعنی قرآن می‌خواهد انسان را بسازد و می‌خواهد به او هدف و آرمان بدهد و هدف و آرمانی که اسلام می‌خواهد بدهد، فقط خداست و بس و هر چیز دیگر جنبه مقدماتی دارد، نه جنبه اصالت و استقلال و هدف اصلی". 43

سیر و حرکت به سوی خدا و رسیدن به او، مستلزم پرورش فضایل اخلاقی، سبقت به سوی نیکی‌ها، انجام اعمال صالح، پرستش و عبادت، عدالت، تقوا و ... است. اینها معنا و مصداق واقعی کمال و تعالی انسان است و هر یک به نوعی سعادت و خوشبختی انسان را تأمین می‌کند و زندگی‌ای آرام، متعالی، متکامل و متعادل را برای او رقم می‌زند. البته این ایده در دورانی از تاریخ، به کمال و تمام تحقق خواهد یافت و آن عصر "ظهور مهدی موعود" است.

گفتار دوم: مسیر و مکانیسم حرکت

از دیدگاه قرآن، صحنه تاریخ و زندگی بشری، عرصه پویاها و کوشش‌های حق‌پرستان و باطل‌گرایان، برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف خود است. حق‌پرستان، در صدد پیروی از حق، پرستش خدا، کسب فضایل انسانی، تحقق عدالت و سعادت واقعی انسان‌ها، ایمان، تثبیت و گسترش خداپرستی، دوری از زر و زور و ... هستند. اما باطل‌گرایان به دنبال شهوت‌رانی، ثروت‌اندوزی، ظلم و ستم، کفر، فسادگری و تباهی، عدالت‌گریزی، کسب مقام، تکبر و خودخواهی و ... می‌باشند. در رأس حق‌پرستان و حق‌پویان، پیامبران، اولیای الهی و صالحان و در رأس باطل‌گرایان، شیطان، فرعون‌ها، شاهان، ستم‌گران و زر مداران قرار دارند.

بین دو گروه و جبهه حق و باطل، همواره نزاع و درگیری وجود دارد و در واقع تضاد و کشمکش بین آنها، محرک و مکانیسم حرکت تاریخ است. پیامبران و پیروانشان همواره مخالفت خود را با کفر و ستم‌گری فرعون‌ها و سردمداران زر و زور اعلام کرده و منافع نامشروع و باطل آنها را به چالش کشیده‌اند. دعوت اصلی آنها به تحقق خداپرستی و عدالت اجتماعی بوده که با منافع سرشار و دنیوی باطل‌گرایان تعارض داشته است.

از نظر قرآن مجید، از آغاز جهان همواره نبردی پی‌گیر میان گروه اهل حق و گروه اهل باطل، میان گروهی از تراز ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (و پیروان مؤمن آنها و گروهی از تراز نمرود، فرعون، جباران یهود، ابوسفیان، مانند آنها بر پا بوده است. هر فرعون، موسایی در برابر خود داشته است: "لکلّ فرعون موسی" ... در این نبردها و ستیزها، گاهی حق و گاهی باطل پیروز بوده است. ولی البته این پیروزی‌ها و شکست‌ها، بستگی به یک سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی داشته است... در قرآن به نقش - به اصطلاح - مرتجعانه "ملا" و "مترفین" و "مستکبرین" و نقش حق طلبانه "مستضعفین" تصریح شده است.

در عین حال از نظر قرآن، آن جهاد مستمر پیش برنده‌ای که از فجر تاریخ وجود داشته و دارد، ماهیت معنوی و انسانی دارد؛ نه مادی و طبقاتی. 44

در طول تاریخ، پیامبران رهبری گروه مؤمنان، صالحان، موحدان، مجاهدان و ... (جبهه حق) را در دست داشتند و با تمام قدرت و توان در برابر گروه کافران، مشرکان، منافقان، مفسدان و ... (جبهه باطل) صف‌آرایی می‌کردند و در صدد از بین بردن تصویر کربه کفر و باطل از جهان بودند. بر این اساس حرکت تاریخ، با سکان‌داری پیامبران و جانشینان صالح آنان، به سمت حق‌گرایی و پیروزی بر باطل در حرکت بوده است.

تضاد و کشمکش بین حق و باطل و مؤمنان و کافران، از نخستین لحظه‌های تاریخ تاکنون ادامه داشته است و نزاع و ستیزه‌های خارج از این چهارچوب، محدود و گذرا بوده و استمرار و تداومی در تاریخ نداشته است. حال نقطه پایانی این درگیری و تضاد کجا و چه وقت است؟ با توجه به وعده قرآن، نقطه پایانی این "تضاد"، غلبه و پیروزی ایمان و حق و نابودی کفر و باطل است؛ بدین صورت که در عصری، "حق" به اوج قدرت و کمال خود می‌رسد و زمینه برای فتح و پیروزی آن به وجود می‌آید.

باطل نیز به نهایت قدرت و انحطاط و فساد کشیده می‌شود و وقتی هر دو به نهایت خود رسیدند، حق با امداد خداوند و آگاهی و توانایی مؤمنان و صالحان بر باطل غلبه می‌کند و کافران و مفسدان را از میان برمی‌دارد و قدرت و سلطه شیطان از بین می‌رود. در روایات به صراحت از نابودی و هلاکت شیطان به دست امام زمان (اشاره شده است).

پیروزی نهایی نیروهای حق و صلح و عدالت، اندیشه‌ای قرآنی است که با قاطعیت اعلام می‌دارد: پیروزی نهایی با دین حق و ایمان و غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران و آینده روشن و سعادت‌مندانه بشر است.

نقطه اوج و متعالی این حرکت با قیام و ظهور منجی موعود - و از دیدگاه اسلام مهدی (- تحقق می‌یابد و او رهبری گروه حق را به دست می‌گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می‌پردازد و در تحقق وعده‌های حتمی الهی، پیروز می‌شود و تاریخ به شکوه‌مندترین فرجام خود می‌رسد.

این وعده قطعی و حتمی خداوند، تخلف نمی‌پذیرد و حق با تمام توان و شکوه، به پیروزی می‌رسد. از مجموع آیه‌ها و روایت‌ها استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (آخرین حلقه از مجموعه حلقه‌های مبارزه حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود، تحقق بخش ایده‌های همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است و به عبارتی او حاصل تمامی مجاهدت‌ها و تلاش‌های پیامبران و ثمره قیام‌ها و مبارزه‌های حق‌طلبان است.

به طور خلاصه می‌توان پاسخ پرسش‌های "فلسفه تاریخ" از دیدگاه قرآن را چنین برشمرد:

1. هدف و غایت تاریخ، عبادت، بندگی خدا، رسیدن به کمالات اخلاقی و انسانی است؛
 2. مکانیسم و محرک این حرکت، اراده انسان‌ها و تضاد و درگیری بین دو جبهه حق و باطل است که در نهایت با نابودی جبهه باطل، به پایان خواهد رسید؛
 3. مسیر و منازل این حرکت، دوران‌های دعوت و مبارزه‌های پیامبران و جانشینان آنان - به خصوص مهدی موعود - است. عصر هر پیامبری، بستر و مرحله‌ای برای گذر تاریخ به مراحل بالاتر و کامل‌تر از گذشته است.
- تاریخ در عصر ظهور، به مرحله نهایی و کامل خود خواهد رسید. این مرحله آغاز زندگی نوین، پیشرفته و متکامل است و بشر در آن از رفاه، سعادت، عدالت، امنیت و معنویت برخوردار خواهد شد.

در آیاتی چند از قرآن، وعده حتمی و یقینی داده شده که پیروزی نهایی با حق و ایمان خواهد بود و صالحان و مستضعفان حکومت زمین را در دست خواهند گرفت. 45

در این آیات زندگی و سیر حرکت انسان و تاریخ مشخص شده، بلکه فرجام شکوه‌مند و متعالی آن نیز تحت عناوین امامت مستضعفان، وراثت صالحان، جانشینی و خلافت بر زمین، ظهور و پیروزی دین حق، غلبه و برتری حق بر باطل و ... مطرح گشته است.

عموم روایات و تفاسیر این آیات را بر ظهور حضرت مهدی و تحقق جامعه مطلوب و آرمانی تطبیق داده‌اند. بعضی از این آیات عبارت‌اند از:

(یرثها عبادی الصالحین)؛

در حقیقت در زیور پس از ذکر (تورات)، نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد. 46

(نجلعلم ائمة و نجلعلم الوارثین)؛

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند، متّ نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم. 47

(قل جاء الحق و زهق الباطل)؛

بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابود شدنی است. 48

(لیظهره علی الدین کله)؛

او پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد. آن را بر هرچه دین است، پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند 49

با توجه به توضیحات و مستندات ارائه شده، می‌توان گزینه‌های زیر را از "فلسفه متعالی تاریخ" برداشت کرد:

– فرجام‌شناسی شیعه، مبتنی بر وحی و غیب است؛

– این روی‌کرد، خطی و تکاملی است (هرچند ناکامی‌ها و فراز و نشیب‌های فراوانی در تاریخ وجود داشته است)؛

– مهم‌ترین ویژگی این نگرش، پیش‌بینی حتمی و قطعی آینده است؛

– این پیش‌گویی، جبری و ضرورت‌گرایانه نیست؛ هرچند تمامی امور تحت مشیّت و ارادة الهی قرار دارد؛

– اختیار و ارادة انسان‌ها، اساس حرکت تاریخ است و خواست الهی نیز بر این قرار گرفته است؛

– اراده و اختیار انسان‌ها، مانع تحقق این پیش‌گویی قرآن نیست (چون وقوع آن بنا بر اخبار غیبی حتمی است)؛

– اراده و خواست انسان‌ها، در تحقق جامعه مطلوب و آرمانی و تسریع یا تأخیر در آن، تأثیر فراوانی دارد؛

– حرکت تاریخ، باید سمت تحقق هدف و غایت آفرینش باشد و آن چیزی جز تحقق عبودیت و بندگی انسان و تقرب به خداوند نیست؛

– انسان برای رسیدن به این غایت، باید به تکامل و تعالی برسد، ولی همیشه موانع بازدارنده‌ای فرا روی او قرار داشته است که مهم‌ترین آنها، گروه باطل و فسادگر، به سردمداری شیطان بوده است؛

– نزاع و تضاد مستمری بین جبهه حق (تلاش‌گران عرصه عبودیت) و جبهه باطل (ستیزش‌گران یکتاپرستی) وجود دارد؛

– نهایت این نزاع و درگیری، تحقق عبودیت و عبادت الهی بر روی زمین و نابودی شیطان و گروه باطل است که در عصر ظهور محقق می‌شود.

– به علت این‌که انسان‌ها به کمال عقلی، خلقی و اجتماعی نرسیده‌اند، با مشکلات فراوانی رو به رو هستند و این مانع رسیدن به جامعه مطلوب است؛

– پس از تحقق هدف و غایت اصلی آفرینش (عبادت الهی و عبودیت انسان) نوبت به کارکردها و اهداف فرعی می‌رسد.

در این‌جاست که جایگاه ویژه "دکترین مهدویت"، آشکار می‌شود و تفسیر راه‌بردی از مسائل و پاسخ‌گویی بنیادین به مشکل‌ها و کاستی‌ها رخ می‌نماید و با فلسفه متعالی تاریخ منطبق می‌گردد.

از آنجایی که حرکت تاریخ، به سمت تحقق عبودیت و بندگی انسان، تقرّب به خداوند، حاکمیت فضایل اخلاقی و ریشه‌کنی تمام رذایل است (بر طبق فلسفه متعالی تاریخ). از این رو، باید طرح "دکترین مهدویت" متناسب با آن ارائه شود و از سطحی‌نگری و پراکنده‌گویی پرهیز گردد.

همچنین باید توجه کرد که "فلسفه تاریخ"، تنها گوشه‌ای از انگاره‌ها و آموزه‌های مهدویت را در برمی‌گیرد و نمی‌توان "دکترین مهدویت" را در آن خلاصه کرد و یا همه مباحث را بر اساس آن توضیح داد! دکترین، می‌تواند روی‌کردی نوین و جامع، به بحث پایان تاریخ و ظهور منجی در آخرالزمان باشد که در آن از مباحث دینی، فلسفی، عقلی و سیاسی بهره گرفته شده است.

پی نوشت:

42. سوره ذاریات، آیه 56.

43. مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ص 76.

44. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی(عج)، ص 49 و 50.

45. برای مطالعه بیشتر نک: نگارنده، آینده جهان، ص 66-71.

46. سوره انبیاء، آیه 105.

47. سوره قصص، آیه 5.

48. سوره اسراء، آیه 81.

49. سوره توبه، آیه 33.

حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر

ماهنامه انتظار موعود - شماره 17